

ایران پس از انقلاب اسلامی

جلد نهم

رخدادهای بهار ۱۳۶۰

سید روح الله امین آبادی



فراز آری فارس
FARZANEH AGENCY
معاونت آژانس و پژوهش
اداره کل پژوهش

سرسناده: امین آبادی، روح الله، ۱۳۶۲ -
عنوان پدیدآورنده: ایران پس از انقلاب / روح الله امین آبادی: [برای] خبرگزاری فارس،
معاونت پژوهش و آموزش، اداره کل پژوهش: ترجمه گروه بین الملل خبرگزاری فارس،
مشخصات نشر: تهران: خبرگزاری فارس، ۱۳۹۲ -
مشخصات ظاهری: ج.

شابک: ۱۷۵۰۰۰ ریال: ج. ۱: ۹۳۷۶-۶۰۰-۹۷۸-۶۰۰ : ۲۵۰۰۰۰ ریال:
ج. ۸: ۶۰۰-۷۳۲۰-۹۷۸-۶۰۰ : ج. ۳: ۲۱۱-۷۳۲۰-۹۷۸-۶۰۰ : ج. ۴: ۲۸۰-۷۳۲۰-۹۷۸-۶۰۰ :
ج. ۷: ۲۹۰-۷۳۲۰-۹۷۸-۶۰۰ : ج. ۶: ۳۶-۷۳۲۰-۹۷۸-۶۰۰ : ج. ۷: ۳۷-۷۳۲۰-۹۷۸-۶۰۰ :
ج. ۸: ۳۸-۷۳۲۰-۹۷۸-۶۰۰ : ج. ۹: ۳۹-۷۳۲۰-۹۷۸-۶۰۰ :
وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: ج. ۲ (چاپ اول: ۱۳۹۴) (فیا).
یادداشت: ج. ۳-۵ (چاپ اول: ۱۳۹۵) (فیا).
یادداشت: ج. ۶-۹ (چاپ اول: ۱۳۹۶) (فیا).
یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس
مترجمان: ج. ۱. رخدادهای بهمن ۱۳۵۷ تا خرداد ۱۳۵۸ - ج. ۲. رخدادهای تیر ۵۸ الی
شهریور ۵۸ - ج. ۳. رخدادهای پاییز ۱۳۵۸ - ج. ۴. رخدادهای زمستان ۱۳۵۸ - ج. ۵. رخدادهای بهار ۱۳۵۹
ج. ۶. رخدادهای تابستان ۱۳۵۹ - ج. ۷. رخدادهای پائیز ۱۳۵۹ - ج. ۸. رخدادهای زمستان ۱۳۵۹ -
رخدادهای بهار ۱۳۶۰

موضوع: ایران - تاریخ - انقلاب اسلامی، ۱۳۵۷ - پوشش مطبوعاتی
موضوع: ایران - تاریخ - جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸ - پوشش مطبوعاتی
ناس: ازود: خبرگزاری فارس، اداره کل پژوهش
شبه المژد: خبرگزاری فارس، گروه بین الملل
سلسه افند: خبرگزاری فارس
ردیف: مکرر: ۱۵۶۴ / DSR
ردیفدی: ۵۵/۰۸۱
شماره کتابشناسی: ۱۳۹۲، ۲۷



ایران پس از انقلاب اسلامی (جلد نهم)

رخدادهای بهار ۱۳۶۰

نویسنده: سید روح الله امین آبادی / ریاست: حکیمه آذرافرا
صفحه آرا و طراح جلد: محمد جواد سهرابی
چاپ اول: تابستان ۱۳۹۷ / لیتوگرافی و چاپ: مدیران / شهر تهران: ۲۰۰ جلد
قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان / تهران، ضلع شمال شرقی، تقاطع خیابان
انقلاب و حافظ، کوچه شهید سعیدی، بن بسن، ششمین،
معاونت آموزش و پژوهش خبرگزاری فارس، واحد انتشارات

تلفن: ۰۲۱-۸۸۹۱۱۶۶۹

<http://book.farsnews.ir>
publications@farsnews.ir

حق چاپ برای ناشر محفوظ و هرگونه استفاده از
مطالب کتاب منوط به کسب اجازه رسمی از ناشر است

مقدمه

با استعانت از خدای تعالی مال ربوبی مجموعه «ایران پس از انقلاب اسلامی» به جلد نهم و بهار ۱۳۶۰ رسید. در این مدت توانسته‌ایم تاریخ کشورمان را از روز نخست پیروزی انقلاب تاکنون در اسلامیه تا پایان سال ۱۳۵۹ مرور کرده و مهم‌ترین تحولات این دوره حسان را روایت منابع دست اول از جمله مطبوعات آن روزها و خاطرات رجال و شخصیت‌های اثرگذار بازخوانی کنیم. از آنجایی که در مجلدات پیشین همزمان مجموعه با سایر تحولات کشور روند فعالیت‌های ابوالحسن بنی‌صدر، نخستین رئیس‌جمهور را به صورت روزشمار تشریح کرده‌ایم در مقدمه این مجلد ضروری است که با بازخوانی عملکرد وی از ظهور تا سقوط بپردازیم تا به نوعی مروری بر هشت مجلد پیشین نیز داشته باشیم.

بهار ۱۳۶۰ به تدریج تقابل میان دو جریان انقلابی به رهبری امام خمینی و طیف لیبرال و ضدانقلاب به میان‌داری بنی‌صدر به اوج رسید. رئیس‌جمهور وقت به تلاش‌های از سر دلسوزی امام امت برای برگشت به دامن نظام اسلامی وقعی نهاد تا آنجا که حضرت روح‌الله در یک اقدام انقلابی بنی‌صدر را ابتدا از فرماندهی کل قوا و در ادامه و به دنبال رأی مجلس شورای اسلامی مبنی بر عدم

کفایت سیاسی بنی صدر وی را از ریاست جمهوری برکنار کردند.
 شهادت سروان شیروودی یکی از برجسته‌ترین خلبانان هوانیروز و نیز
 شهادت دکتر مصطفی چمران در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل و نیز جنایت
 بزرگ گروهک‌های ضدانقلاب دموکرات و کومله در به شهادت رساندن ده‌ها
 اسیر پاسدار از دیگر وقایع این فصل از تاریخ انقلاب اسلامی محسوب می‌شود.
گاه به گام با سقوط اولین رئیس‌جمهور

روزهای پایانی خردادماه سال ۱۳۶۰ برای مردی که تا چند ماه قبل، اولین
 رئیس‌جمهور ایران اسلامی بود، روزهای مرگ و زندگی می‌نمود.
 ابوالحسن بنی‌صدر، اولین رئیس‌جمهور تاریخ ایران است و این عنوان آدم
 را دچار غرور می‌کند. ولم به اندازه‌ای که چنان سقوط کند که نتواند از جای
 خود برخیزد!

ابوالحسن بنی‌صدر، پس از چندی، شدت سؤالی که بسیاری به آن پرداخته‌اند
 و جواب‌های روشنی برای آن وجود دارد.
 تاریخ با همه پیچیدگی‌های خود، ساد و آسان است. اگر با تاریخ همگام
 شوی خواهی دید که تمدن‌ها چگونه ظهور کردند، رشد یافته‌اند و به کمال
 رسیده‌اند و در نهایت با از دست دادن مؤلفه‌های اساسی، باقوت شده‌اند!

انسان‌ها نیز از این قاعده پیروی می‌کنند. در عالم اجتماع و سیاست ظهور
 می‌کنند، برخی به رشد و بالندگی می‌رسند و برخی دیگر پس از مدتی رشد و
 بالندگی، به اوج قدرت و اعتبار نائل می‌شوند و در نهایت سقوط را تجربه
 می‌کنند. ولی در این میانه انسان‌های دیگری نیز هستند که هرگز سقوط نمی‌کنند
 و وقتی از این عالم خاکی می‌روند، با شهادت، عالم بالاتری را تجربه می‌کنند!
 بنی‌صدر از انسان‌های دسته اول و بزرگانی چون شهیدان رجایی، بهشتی و
 چمران از دسته دوم هستند. دسته‌ای که امام خمینی یک روز پس از برکناری

بنی صدر از ریاست جمهوری، به همگان توصیه کرد مانند چمران بمیرند و مانند چمران مردن، نیازمند مانند چمران زیستن است.

بنی صدر که بود و چگونه ظهور کرد و ساقط شد؟!

ابوالحسن بنی صدر در دومین روز فروردین ماه سال ۱۳۱۲ در باغچه، از توابع همدان به دنیا آمد. دوران تحصیل خود را در همدان و تهران گذراند و دوران طفولیت را تا اخذ دیپلم متوسطه در این شهر سپری کرد.

او در خانواده‌ای روحانی بزرگ شده بود و پدرش از جمله روحانیون معروف همدان بود. اما به گفته خودش جو موجود در خانواده‌اش فضای ضد تمام عیاری داشت.

این نگاه منفی و بیم داشتن از اجبار پدر برای یادگیری دروس حوزوی باعث شد که وی در عرصهٔ فراگیری علوم جدید از خود تقابلی نشان دهد. در کنار این، از مسائل سیاسی هم غافل نبود و کم‌وبیش در جریان وقایع و رویدادهای روز قرار می‌گرفت.

در دوران دانشجویی ابتدا به حزب «ازحمت»^۱ و سپس مظهر بقایی تمایل یافت.

اما در جریان کودتای امریکایی ۲۸ مرداد، جذب جنبهٔ ملی شد.^۲

بنی صدر پس از گرفتن لیسانس، کار خود را در موسسهٔ تخصصیات علوم اجتماعی احسان تراقی آغاز کرد و در همین ایام با یکی از همشهریان خود ازدواج کرد.

نهضت ملی شدن صنعت نفت و بازداشت بنی صدر

در جریان نهضت ملی شدن صنعت نفت دو بار بازداشت شد و مدت کوتاهی را در زندان گذراند. ابوالحسن بنی صدر پس از سرکوب قیام ۱۵ خرداد

۱- بنی صدر، ابوالحسن، درس تجربه (خاطرات ابوالحسن بنی صدر، اولین رئیس جمهور ایران)، صفحه ۴۳

۲- درس تجربه، صفحه ۵۷

۱۳۴۲ و منحل شدن جبهه ملی دوم، به فرانسه رفت و در آنجا فعالیت‌های خود را تحت عنوان جبهه ملی سوم پی گرفت.

اما طولی نکشید که اختلافات شدیدی با کنفدراسیون دانشجویان خارج کشور پیدا شد و بر اثر بروز این درگیری‌ها، ابتدا جبهه ملی سوم و در پی آن کنفدراسیون متلاشی شد.

او که در سال‌های اولیه دهه ۵۰ از فعالیت‌های سیاسی دور افتاده بود و صفا به اتفاق دکتر نقی‌زاده در انگلیس گاهنامه «خبرنامه جبهه ملی» را منتشر می‌ساخت، به مرور به اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا نزدیک شد و به بازه‌ای در حیات سیاسی بنی صدر آغاز شد.

زمانی که حرکات انجمنی مردم ایران شدت گرفت، روابط بنی صدر نیز با انقلابیون و پیروان امام نزدیک‌تر شد.

در جریان زندانی شدن آیت‌الله القاضی و منتظری و شهادت آیت‌الله سعیدی، برخی از مبارزین از جمله محمد طبری، محمد غرضی و محمدعلی هادی که آن هنگام در فرانسه حضور داشتند، در کیسای «سن مری» اعتصاب غذا کرده بودند. بنی صدر در کنار این مبارزان به ایفای نقش پرداخت و به همراه سلامتیان، سودابه سدیفی و احمد غضنفرپور جنبه‌های مختلف این حرکت اعتراضی را برای فرانسویان و فعالان حقوق بشر تشریح کرد.

دو خودخواه و یک اقلیم!

در آن برهه صادق قطب‌زاده به‌خاطر روابط گسترده در عرصه رسانه در پاریس به شهرتی رسیده بود و با مبارزین انقلاب و چهره‌های ملی و مذهبی ارتباط خوبی داشت. اما هم بنی صدر و هم قطب‌زاده تاب همکاری و تحمل یکدیگر را نداشتند و آن یکی، دیگری را به صفت کیش شخصیتی متهم می‌کرد و این ماجرا تا زمان انقلاب اسلامی و حوادث پس از استقرار نظام هم ادامه

پیدا کرد.

این اختلافات همچنان باقی بود تا اینکه خبر رسید امام قصد سفر به فرانسه را دارد. این مسئله باعث اختلاف نظر میان نیروهای انقلابی مقیم پاریس شد.

مخالفت با هجرت امام به پاریس

بنی صدر با آمدن امام به پاریس مخالف بود و برای این مخالفت دلایلی را ذکر می کرد. اول اینکه می گفت ایشان یک مرجع تقلید هستند و اگر بیایند در یک کشور غربی، در بین مذهبیین ایرانی و منطقه جنبه خوبی پیدا نخواهند کرد. دوم اینکه، او نمی خواست امام شاهد اختلافات موجود میان روشنفکران و نیروهای ملی و مذهبی باشد و اصرار داشت که امام برای اقامت، سوریه را انتخاب کند.^۱

سرانجام امام تصمیم گرفتند به پاریس سفر کنند و در زمان اقامت ایشان در فرانسه، ارتباط برخی از انقلابیون و روشنفکران از جمله بنی صدر با امام بیشتر شد.

پیش به سوی قدرت!

همزمان با بازگشت امام به ایران در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ بنی صدر از جمله کسانی بود که در این سفر با ایشان همراه بود. در آن زمان بنی صدر چهره‌ای ناشناخته برای مردم بود؛ اما بعد از گذشت سه روز از ورودش به ایران، سلسله سخنرانی‌هایی در دانشگاه صنعتی شریف داشت که ۱۰ روز به طول انجامید. از این پس بسیاری او را در لباس یک روشنفکر دینی که سعی دارد با استفاده از مفاهیم و مضامین قرآنی و اسلامی پیوندی با دنیای متمدن غرب برقرار کند، می شناختند.

مناظره بنی صدر با بابک زهرایی، از رهبران گروهک مائوئیستی موسوم

به کارگران انقلابی نیز چهرهٔ موفق‌تری از او به نمایش گذاشت و کم‌کم زمینهٔ عضویت او در شورای انقلاب مطرح شد و با قطعی شدن این موضوع، بنی‌صدر به صفحات اوّل روزنامه‌ها راه یافته و جای پای خود را در رسانه‌ها محکم کرد.

وی در این دوران برای بسیاری به‌عنوان کسی که ظاهراً برای مشکلات راه‌حلی ایدئولوژیک و مبتنی بر اسلام اندیشیده، مطرح بود. خصوصاً اینکه در آن زمان وی مقالات و کتاب‌های زیادی را در این زمینه تألیف کرده بود؛ مانند «اصول و قواعد فقهی شخصیت»، ۱۰۰ مقاله پیرامون جمهوری اسلامی و ... وی را این مملکت یکی از منتقدان تندوتیز کابینهٔ دولت موقت هم بود و در ساختار اقتصادی از جمله مدافعان سرسخت ملی شدن بانک‌ها و اقتصاد بدون بهره بود. از سرفی‌نکر تجربهٔ حضور در وزارت اقتصاد و دارایی و امور خارجه را هم داشت.

همهٔ این عوامل باعث شد که او به‌عنوان یکی از چهره‌های مطرح برای انتخابات اوّلین دورهٔ ریاست جمهوری شناخته شود؛ به‌ویژه آنکه وی قبل از مطرح شدن این فکر، روزنامهٔ «انقلاب اسلامی» را با این هدف که صرفاً در خدمت انقلاب باشد - تأسیس و راه‌اندازی کرد که عملاً این نشریه به سخنگوی تبلیغاتی وی در انتخابات و دوران ریاست جمهوری تبدیل شد.

نامزد بی‌رقیب

در تاریخ ۴ دی ۱۳۵۸ کیهان در گمانه‌زنی‌های خود در مورد کاندیداهای احتمالی، از بنی‌صدر، قطب‌زاده، بازرگان و غلامحسین صدیق (از نیروهای جبههٔ ملی) به‌عنوان داوطلبان شرکت در انتخابات ریاست جمهوری نام برد. ابوالحسن بنی‌صدر، وزیر اقتصاد و دارایی نیز در همین ایام به‌صورت تلویحی اعلام کرد که ظرف چند روز آینده رسماً دست به فعالیت انتخاباتی

خواهد زد.

سرانجام با داغ شدن بازار شعارهای انتخاباتی، بنی صدر مهم‌ترین برنامه‌های خود را وحدت ملی، بازسازی اقتصاد، امنیت و معنویت برشمرد.

در ۲۵ دی ۱۳۵۸، احتمال کناره‌گیری جلال‌الدین فارسی به‌خاطر شبهه قانون اساسی و ایرانی‌الاصل بودن او مطرح شد. این مسئله حزب جمهوری اسلامی را با وضعیت دشواری مواجه ساخت.

از طرفی می‌دیدند که رقیب اصلی انتخاباتی آنان یعنی بنی صدر از حمایت گسترده‌ای برخوردار است و از سوی دیگر فکر نمی‌کردند بتوانند جایگزین مناسبی را برای فارسی انتخاب کنند.

نصیحتی که ای کاش شنیده می‌شد!

بالأخره در روز ۵ بهمن ۱۳۵۸ اولین دوره انتخابات ریاست جمهوری برگزار شد و مردم برای انتخاب رئیس‌جمهور، جریه پای صندوق‌های رأی رفتند و بنی صدر با ۱۱ میلیون رأی به ریاست جمهوری رسید.^۱

۱۵ بهمن‌ماه سال ۵۸ نزدیک به ۱۰ روز بعد از انتخابات، امام خمینی حکم منتخب ملت را تنفیذ کرده و بنی صدر رسماً رئیس‌جمهور ایران می‌شود.

ولی آنچه در تنفیذ حکم اولین رئیس‌جمهور پیش از مه‌انگیز می‌نمود و ظهور و بروز داشت نصیحتی است که امام خمینی آن روز خطاب به بنی صدر از آن سخن گفتند و ای کاش بنی صدر به این نصیحت گوش می‌داد.

امام خمینی در این روز در جمع اعضای شورای انقلاب، رئیس‌جمهور منتخب و جمعی از خبرنگاران، خطاب به بنی صدر فرمودند: «من یک کلمه به آقای بنی صدر تذکر می‌دهم که آن یک کلمه تذکر برای همه است: «حَبِّ الدُّنْیَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ»؛ هر مقامی که برای بشر حاصل می‌شود، چه مقام‌های معنوی

و چه مقام‌های مادی، روزی گرفته خواهد شد و آن روز هم نامعلوم است». ایشان ادامه دادند: «من از آقای بنی‌صدر می‌خواهم که مابین قبل از ریاست جمهور و بعد از ریاست جمهور در اخلاق روحی‌شان تفاوتی نباشد. تفاوت بودن دلیل بر ضعف نفس است»^۱.

به‌راستی امام از کجا می‌دانست که بنی‌صدر شایسته این جایگاه نیست و بیان امروز و فردای او تفاوت‌های بسیار خواهد بود که این‌گونه در ابتدای کار، نخستین رئیس جمهور را نصیحت می‌کنند و از آینده بیمش می‌دهند!

او این سخنان بنی‌صدر پس از تنفیذ؛ نخستین وظیفه رئیس جمهور ایجاد نظام

به‌هر حال بنی‌صدر، پس جمهور می‌شود. نخستین سخنان یک رئیس جمهور از اهمیت زیادی برخوردار است. چرا که این سخنرانی نشان می‌دهد منتخب ملت چگونه می‌اندیشد و به چه خواهد کرد.

پس از قرائت حکم امام توسط سید احمد خمینی، بنی‌صدر طی سخنانی می‌گوید: «انقلاب اسلامی ملت ایران به عنای رنسانس، تجدید حیات یا تولد نو برای سیطره دادن دانش مادی بر یک نظام انسانی تنها نیست. این انقلاب برای اعتلای انسان است و برای تجلی انسانیت است که در این قرن به نام اسلام و با رهبری رهبران دین ما به‌انجام رسیده است».

بنی‌صدر ادامه می‌دهد: «برای ما چه افتخاری دارد وقتی که وابستگان جامعه‌ای هستیم فقرزده و ما بخواهیم ادامه بدهیم با دلخوشی به یک عناوینی که این عناوین هیچ محتوایی ندارند. ریاست جمهوری، وزارت به چکار می‌آید؟ اگر به خدمت مردم در نیاید».

بنی‌صدر همچنین می‌گوید: «لیاقت هر انسانی بسته به میزان توانایی او در

جلب همکاری است. لیاقت امام قطعاً در تاریخ ما اگر بی نظیر نیست، حتماً بسیار کم نظیر است و من بدون اینکه شائبه‌ای وجود داشته باشد، به عنوان یک فرزند امام می گویم که شاید در تاریخ ما بی نظیر است که یک انسانی توانسته باشد یک ملتی را به همکاری بخواهد. این لیاقت‌ها باید در ما هم پیدا شود. وی ادامه می دهد: «مردم ما معتقد نیستند که برای پیروزی و غلبه بر مشکلات با هم سلاخ می کشند. رجال دینی یا سیاسی ما، امرای ارتش، لازم است شب و روز با هم دعوا داشته باشند تا بشود گفت که شأن و منزلت پیدا کرده اند، این دید یک سان نیست. دید یک انسان این است که مقام در همکاری است». بنی صدر می گوید: «من بعنوان نخستین رئیس جمهور انتخاب نشده ام تا روش شاه را در ایجاد اختلاف در کشور دنبال کنم و مظهر برخوردها و اختلاف‌ها، ستیزه‌های گروه‌ها، قشرها و افراد با هم باشم؛ بلکه انتخاب شده‌ام با معرفت و دید اسلامی و معرفت و دیالکتیک، محور وحدت کشور باشم. وی با بر شمردن وظایف نخستین رئیس جمهور همچنین می گوید: «نخستین وظیفه‌ام کوشش برای ایجاد تفاهم است. من در گذشته هم در این زمینه بسیار تلاش کرده‌ام و تعهد می دهم و به شما اطمینان می دهم این محیط تفاهم را برای همه در ایران فراهم خواهم کرد». بنی صدر از نخستین وظیفه رئیس جمهور سخن می گوید و می گوید: «وظیفه‌ام ایجاد تفاهم است، می گوید رئیس جمهور نشده‌ام تا مثل شاه بین مردم اختلاف ایجاد کنم. بنی صدر تعهد می دهد که بین مردم و گروه‌ها تفاهم ایجاد کند و ... آیا این گونه می شود؟! حقیقت آن است که بنی صدر درست از روز تنفیذ، آتش اختلافات را روشن می کند، با نهادهای قانونی کشور از جمله مجلس و قوه قضاییه درگیر می شود، آنها را به استبداد محکوم می کند و می گوید همه باید

با من به عنوان رئیس جمهور منتخب مردم هماهنگ شوند. او هر چه می گوید خلاف آن را عمل می کند و گویی او نیست که این سخنان را بر زبان رانده است.

نگاهی به سخنان روز اول بنی صدر و مقایسه آن با عملکرد وی در طول یک سال و اندی ریاست جمهوری، نشان می دهد که بنی صدر درست در نقطه تقابل ایجاد تفاهم میان مردم گام برداشته است.

گام به گام به سمت استبداد؛ تلاش برای تسخیر مجلس!

به رحمان بنی صدر، رئیس جمهور شد و در این شرایط بایستی نخستین مجلس شورای اسلامی که در آن زمان مجلس شورای ملی خوانده می شد نیز تشکیل شود تا رئیس جمهور به صورتی رسمی بتواند کار خود را با سوگند مقابل نمایندگان است آغاز دد.

از آنجایی که بر اساس قانون اساسی، رئیس جمهور مقامی تشریفاتی محسوب می شد و مجلس باید به نخست وزیر رأی اعتماد می داد، انتخاب نمایندگان مجلس، از اهمیتی زیادی برخوردار بود. از این رو بسیاری بر آن بودند که مجلس را همسو با خود سازند.

بنی صدر که اینک اولین رئیس جمهور ایران شد، با علم به اینکه مجلس آینده در صورتی که موافق وی نباشد، مصائب زیادی بر وی تحمیل خواهد شد و همچنین برنامه های دور و درازش نقش بر آب خواهد شد، از همان روز اول از این سخن می گفت که مجلس باید با رئیس جمهور منطبق باشد.

بنی صدر در یکی از سخنرانی های خود در این راستا می گوید: «مجلسی که در آینده تشکیل می شود، باید متناسب با برنامه ها و نظرهایی باشد که بر اساس آن انتخابات ریاست جمهوری انجام شده است. وی در این سخنرانی از کسانی که فکر می کنند در ایران هر کسی سوار شد تا آخر سوار می ماند، انتقاد

کرد».^۱

بنی صدر چند هفته بعد در مصاحبه با شبکه تلویزیونی الجزایر می گوید: «اگر مجلس ما که انتخاباتش تا چند هفته دیگر شروع می شود، هماهنگ و خواهان همان اصلاحاتی باشد که ملت ایران طلب می کند، این مجلس خودش یک نقطه قوت می شود. ولی اگر مجلس مخالف خطی باشد که رئیس جمهور بر اساس آن خط انتخاب شده است، یا متشتت باشد و یا دارای یک اکثریت ثابتی باشد، این مجلس تبدیل به یک ضعف بزرگ خواهد شد».^۲

او در گفت و گو با دیگر و با غروری مثال زدنی می گوید: «من نخستین شخصی هستم که در این باره سخنم با چنین اکثریتی به ریاست جمهوری رسیده ام. هیچ رئیس جمهوری این زمان با چنین اکثریتی به ریاست جمهوری نرسیده است». وی همچنین گفت: «باید دید که به تناسب رأیی که به ریاست جمهوری داده اند به نمایندگان نیز رأی دهند و اگر نه، مجلس [با دولت] هماهنگ نباشد ایران منفجر می شود».^۳

بنی صدر با این سخنان، اولین سنگ دیکتاتوری را بنا می نهد، درحالی که نمایندگان مجلس شورای اسلامی بایستی از سوی مردم انتخاب شوند و طبیعی است جهت گیری مجلس نیز منوط به رأی مردم است. وی می گوید مجلس بایستی با رئیس جمهور هم جهت باشد و در راستای برنامه های دولت حرکت کند!

بنی صدر؛ فرمانده کل قوا

به دنبال انتخاب بنی صدر از سوی مردم به عنوان نخستین رئیس جمهور، امام

۱- رک. بامداد، ۷ بهمن ۱۳۵۸، ص ۱ و ۳

۲- اطلاعات، ۲۸ بهمن ۱۳۵۸، صفحه ۱۲

۳- اطلاعات، ۲۳ بهمن ۱۳۵۸، صفحه ۹

خمینی برای اینکه بهانه‌ای از سوی بنی‌صدر برای کم‌کاری و یا اینکه کسی با او همکاری نمی‌کند نداشته باشد، او را به فرماندهی کل نیروهای مسلح منصوب می‌کنند.

در بخشی از حکم امام خمینی در روز ۳۰ بهمن ۱۳۵۸ در این زمینه آمده بود: «در این مرحله حساس که احتیاج به تمرکز قوا بیشتر از هر مرحله است - نابعالی به نمایندگی این جانب به سمت فرماندهی کل نیروهای مسلح در تریبی که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تعیین کرده است، منصوب می‌شود»^۱.

اما بنی‌صدر سرور دیگری از این مقام داشت. وی تصور می‌کرد حال که امام فرماندهی کل قوا را به او واگذار کرده است، همه امور مربوط به حوزه رهبری در سلطه او باشد. لذا نگاهی که امام دعایی را به سرپرستی روزنامه اطلاعات منصوب کردند از هم روی - کم امام حکمی داد تا بگوید آن هم در اختیار من باشد!^۲

به‌هر حال بنی‌صدر در طول فرماندهی خود در نیروهای مسلح، علاوه بر اینکه این نیروها را به سمت سیاسی شدن و در سینه دوره‌ای از هدف اصلی یعنی جنگ سوق می‌دهد، مرتکب تخلفات دیگری نیز می‌گردد. به‌صورتی که با آغاز جنگ تحمیلی، ایران در مقابل عمل انجام‌شده قرار گرفته. در ماه‌های اول جنگ اراضی وسیعی را از دست می‌دهد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب در خطبه‌های تاریخی ۲۹ خرداد ۱۳۶۰ به این موضوع اشاره کرده و می‌گویند: «نزدیک به هفت ماه قبل از جنگ، شما فرمانده کل قوا بودید چرا نیروهای نظامی ما هنگام شروع جنگ

۱- صحیفه امام، جلد ۱۲، صفحه ۱۵۷

۲- روزنامه انقلاب اسلامی، ۲۱ اردیبهشت ۵۹، ص ۱۱

نتوانست مقاومت کند؟ امام شما را در اوّل اسفند ۱۳۵۸ به فرماندهی کل قوا برگزیدند، در اوّل مهرماه ۱۳۵۹ یعنی هفت ماه تمام بعد از فرماندهی کل قوای شما جنگ شروع شد. در این هفت ماه شما چه کار می کردید؟ چرا ارتش را مرمت نکردید؟ چرا نظامی ها را آموزش ندادید؟ آیا اینها را چه کسی می بایست انجام می داد؟ به غیر از آقای بنی صدر؟ چرا شما وقتی جنگ شروع می شود و خرابی کار شما در هفت ماه گذشته آشکار می شود، تقصیرها را به گردن این و آن می اندازید؟

آیت الله بامنه ای، بخش دیگری از این خطبه به یادماندنی که اندکی پیش از برکناری بنی صدر، ریاست جمهوری ایراد شد، ادامه می دهند: «وقتی از ایشان می پرسند چرا ارتش را رُوسامان نداده اید می گویند چون کسان دیگری در ارتش دخالت کرده اند. مناور ایشان دادگاه های انقلاب در ارتش می باشد. چون افراد متهم به کودتا را دستگیر کرده و داد. آقای بنی صدر توقع داشتند در ارتش علیه جمهوری اسلامی کودتا بشود و کودتاچیان آزاد بگردند و دستگیر نشوند».

«پس این دادگاه ها برای چه هستند؟ اگر این دادگاه هست، توطئه گرها را باز بگذارد، آیندگان تف به روی این دست اندرکاران نخواهند انداخت، که شما توطئه را کشف کردید و عناصر را شناختید، اما محاکمه نکردید؟ آقای بنی صدر توقع داشتند که در ارتش انسان های خوب و بد با هم برابر باشند این گناه بزرگی است. من سؤال می کنم آقای بنی صدر شما که در اسفند ۱۳۵۸ فرمانده کل قوا شدید مگر چه کرده بودید و چه کردید؟ شما چگونه بودید که در ۱۵ اسفند طرح توطئه کودتا شروع شد، چرا قبل از آن نبود و چرا به مجرد اینکه پا در ارتش گذاشتید، طرح کودتا ریخته شد؟ پس مسئول شما هستید»^۱.